

ادامه از صفحه اول

کارگزاران حسن روحانی

اما برخلاف این نوشته مستند تاریخی، در مقدمه کتاب «مذاکرات مجلس اول» نوشته غلامحسین میرزاصلح، وجدان عمومی ایرانیان حکم دیگری دارد؛ قضایوتی صلب که میرزاآقاسی را به دوزخ تاریخ سیاسی ایران روانه می‌کند.

قوام‌السلطنه چهره «برزخی» سیاست است. نخست‌وزیری دانش آموخته یا رفتاری دیپلماتیک که عقل و احساس را به تناسب در کنار هم می‌نشاند. قوام در دوران صدارتش می‌کوشد تا گفتمان دولت مدرن را در ایران شکل بدهد و در این مورد از مصدق هم جلوتر باشد. تأسیس وزارت کار، تشکیل حزب دموکرات ایران و توجه به اهمیت نقش احزاب در سیاست و تشکیل اتحادیه‌های کارگری، از جمله نکاتی است که می‌توان در کارنامه او دید. قوام‌السلطنه اولین کسی است که پای دوتایی روس و انگلیس، ایران را خلاص کند؛ خلاصی از دست کشورهای که همواره بر سر منابع خود با نادیده‌انگاشتن منافع ایران به‌سرعت با هم مذاکره و توافق می‌کردند، همان‌گونه که در جریان جنبش جنگل این اتفاق رخ داد. قوام بازی این دوتایی را با آوردن آمریکاییان به پای میز مذاکره و بیستن اولین قرارداد نفتی ده میلیون دلاری به‌هم ریخت و منتفی ساخت از آمریکا، انگلیس و روسیه که هنوز برای امنیت و سیاست داخل ایران کارایی دارد. اما وجدان عمومی ایرانیان محمد مصدق را در جایگاه رفیع‌تری از او می‌نشانند که به‌حق هم این‌گونه است. قوام نگاهی جدی به سیاست دارد و با عمل‌گرایی عقل‌گرایانه تلاش می‌کند به سمت دولتی مدرن گام بردارد. اما با همه غایروبی که این سال‌ها از چهره قوام شده است، او هنوز در سیاست جایگاهی «برزخی» دارد. به بیانور سیاست‌مداران چپ‌گرای ایران که بیشتر نفوذ را در آرا و اندیشه‌های روشنفکران داشته‌اند، قوام راست‌گرای مایکاپل صفت است و از سوی دین‌داران که بیشترین نفوذ را در میان مردم عادی دارند، قوام دودوزهباز و فرصت‌طلبی است که اگر لازم باشد تن به مصالحه، مماشاعت و حتی خیانت می‌دهد و از این‌رو هرگز به‌و اعتماد نگردد.

بسیاری از سیاست‌پیشگان خواسته یا ناخواسته در این دو جایگاه «دوزخی و برزخی» به سر می‌برند. این کدگذاری و برش‌های سرخوشانه از تاریخ مقدمه‌ای است بر وضعیتی کنونی‌ما. اینک حسن روحانی در پی چه جایگاهی است و با بهتر است بیروسم خواسته و ناخواسته به سمت چه منزلهایی قدم برمی‌دارد. می‌شود با حذف آن چیزهایی که روحانی نیست به پاسخ این پرسش دست یافت. مثلا سلبید است کسی بپذیرد روحانی سیاست‌مداری رادیکال است. همین عدم پذیرش مردم یا باورپذیرنیسودن رادیکال‌بودنش باعث شده حتی زمانی که تندترین حرف‌ها را بر زبان می‌آورد، در سیاست، موج و تنش و درگیری به وجود ناپید. استنباط شنوندگان از سخنان او این است که این گفته‌ها بیش از آنکه دعوت مردم به حمایت از او باشد، خط‌نشان‌کشیدن‌های دیپلماتیک برای رقابتست. پس می‌توان گفت حسن روحانی با رئیس دولت اصلاحات در این زمینه تفاوت فاحشی دارد. او هیرگاہ با مردم سخن می‌گوید، نوعی میانیج از «مصلحت‌ها، میان او و مخاطبانش است. این مصلحت‌ها، مقوم از جایگاه او در دل کسانی است که به او باور و اعتماد دارند. حسن روحانی به ابزارهای دولت مدرن واقف است و یکی از این ابزارها حزب است، اما حزبی که او در پی آن است، حزبی چون مشارکت؛ حزبی کاریزماتیک و پرخروش نیست، بلکه تغییر‌شکل‌یافته حزبی چون جامعه روحانیت‌یارز است که با سلوک و سیاستش همخوانی دارد. اما مدرن‌تر و فراگیرتر است؛ همچون حزب کارگزاران سازندگی. از این‌رو بعید است به‌جز تقسیم منافع حزب اعتدال و توسعه، اختلافی جدی با کارگزاران داشته باشد. حسن روحانی همچون کارگزاران به‌دنبال احیا و ارتقای راست سنتی است؛ راستی که با واژه نوحافظه‌کار همخوانی دارد و درگیری و تنش برایش به ارمغان نمی‌آورد. از سوی دیگر، کارگزاران سازندگی در یک چیز با رئیس‌جمهور اشتراک‌نظر دارند. آنها نیز به‌ندرت پیش می‌آید که بتوانند بدون میانیج با مردم روبه‌رو شوند. کارگزاران رودررویی نمی‌یابنج با مردم به‌رغم این است که تأکید آنها بر تکنوکرات‌بودن، فاصله‌گذاری هوشمندانه‌ای است که به روش اعتلافتیتی بوروکراتیک می‌دهد. تانکون پیش نیامده که آنها خارج از منظومه قدرت‌دانش با مردم مواجه‌ای داشته باشند. کارگزاران سازندگی در غیاب اصلاح‌طلبان و احزاب آنها یکی از احزاب پرمهره و مؤثر به‌شمار می‌آید که در فرایند قدرت می‌تواند نقش آفرینی کند. این حزب بی‌شباهت به حزب قوام نیست و این ویژگی‌هاست که می‌تواند کارگزاران را بیش از اصلاح‌طلبان به دولت اعتدال و محافظه‌کاران نزدیک کند. وجه افتراق اصلاح‌طلبان با آنها در این است که اصلاح‌طلبان هیچ سرمایه‌ای جز مواجهه مستقیم و بی‌واسطه با مردم ندارند. آنها هستند و یک دست لباس و مانیفستی منتشرشده و رقبایی که چشم دیدنشان را ندارند و دوستانی که به‌دشواری تا پایان راه در کنارشان بمانند. البته درست این فقر قدرت، قدرت آنهاست، که کارگزاران سازندگی و احزاب دیگر با گرایش‌های نوحافظه‌کارانه را نیز مردد کرده که همه برگ‌هایشان را رو کنند. اما اگر محافظه‌کاران و نوحافظه‌کاران و اعتدالیون ائتلاف کنند، مازاد قدرتی تولید می‌شود که به تعطیل سیاست می‌انجامد. رواقع این، اصلاح‌طلبان نیستند که راه سختی در پیش دارند، راه سخت پیش‌روی نوحافظه‌کاران و دولت است. هرگونه اختلال در بازی سیاست و یا جدایی از اصلاح‌طلبان، آنها را در مسیر «برزخی» سیاست قرار می‌دهد. اینجاجست که باید به انتظار نشست و دید حسن روحانی به سلوک دیپلماتیک‌اش ادامه می‌دهد یا تصمیمی از سنخ دیگر می‌گیرد.

شرق: نابرابری یکی از مسائلی است که به‌شدت موجب بروز فقر می‌شود. هرچند یکی از اهداف انقلاب اسلامی، تحقق عدالت اجتماعی بود، اما پس از گذشت بیش از سه دهه از عمر انقلاب، فقر و نابرابری در جامعه ایران، به مراحلی فراتر از وضعیت هشدار رسیده است. البته هموار فقر و مشکلاتی که حالا از آن صحبت می‌کنیم در ایران، مانند همه کشورها، وجود داشته، اما نقش دولت‌های نهم و دهم و آثار اقتصادی – اجتماعی عمیقی که سیاست‌ها و عملکرد این دو دولت بر جامعه ایرانی باقی گذاشته، در تشدید این مسائل بسیار پررنگ است. این جملات مقدمه سخنرانی حسین راغفر، اقتصاددان، در مؤسسه «دین و اقتصاد» است. به نظر او، آثار مخربی که در این دولت‌ها روی جامعه گذاشته شد تا دو، سه دهه آینده هم گریبان جامعه را رها نخواهد کرد و حتی برخی از انحرافات بزرگی که به واسطه این تأثیرات اقتصادی و اجتماعی در جامعه شکل گرفته، شاید تا چند سده آثار آن را ردگیری کرد، پابرجا بماند. در ادامه سخنرانی راغفر را با موضوع «ضرورت‌ها و ابزارهای سنجش مستمر عدالت و نابرابری» که در مؤسسه «دین و اقتصاد» انجام شده، بخوانید.

یکی از نگرانی‌های اصلی در این کشور، مسئله فقر و نابرابری است. گرچه نابرابری، مستقل از فقر، یک مسئله بسیار کلیدی است، اما به‌ویژه در ساختار اقتصاد سیاسی ایران، به‌شدت موجب بروز فقر نیز می‌شود. هرچند یکی از اهداف انقلاب اسلامی، تحقق عدالت اجتماعی بود، اما پس از گذشت بیش از سه دهه از عمر انقلاب، فقر و نابرابری به مراحلی فراتر از وضعیت هشدار رسیده است. البته ما هموار فقر و مشکلاتی را که حالا از آن صحبت می‌کنیم داشته‌ایم، اما نقش دولت‌های نهم و دهم و آثار اقتصادی – اجتماعی عمیقی که روی جامعه باقی گذاشته، در تشدید این مسائل بسیار پررنگ است. به نظر من آثار مخربی که در این دولت‌ها روی جامعه گذاشته شد تا دو، سه دهه آینده هم گریبان جامعه را رها نخواهد کرد و حتی برخی از انحرافات بزرگی که به واسطه این تأثیرات اقتصادی و اجتماعی در جامعه شکل گرفته، شاید تا چند سده هنوز می‌توان آن را ردگیری کرد. رویش سرمایه‌داری مالی در ایران، یکی از اتفاقاتی است که در دوره هشت‌ساله دولت‌های نهم و دهم افتاد و به توجّه به ساختار اقتصاد سیاسی ایران، عملا یک اقتصاد غارتی را در ایران تکمیل کرد. در این اقتصاد با ساختار واسطه‌گری و سفته‌بازی نهادهای ضدتوسعه مانند فساد، تملق و چاپلوسی، نهادهایی هستند که به افرادی که همراه آنها شوند ارزش و پاداش می‌دهند. طمع و آزی که در کشور شکل گرفته، خطر بسیار بزرگی است که کشور را تهدید می‌کند. نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فقر مزمن مسائل مهمی هستند؛ چراکه ممکن است یک جامعه، مانند کره‌شمالی یا چین، کام باشد، اما نابرابری کم باشد؛ این جامعه‌ها زمینه ایجاد بحران اجتماعی ندارد؛ چون وضعیت مردم مانند هم است. ممکن است جامعه‌ای، مانند بخش‌هایی از کالیفرنیا یا آمریکا هم باشد که نابرابری دارد، اما فقر در آن نیست. در این جوامع نگرانی وجود ندارد، اما در جامعه‌ای که هم فقر و هم نابرابری زیاد باشد، چنین مسئله‌ای محرک

بسیاری از ناسامانی‌های اجتماعی است. نابرابری از منظر اخلاقی توجیه‌پذیر نیست و بسیاری از رفتارهای خلاف ارزش و هنجار که در جامعه می‌بینیم در همین نابرابری‌های کم‌رشدن توام با فقر گسترده، ریشه دارد و هشدار رسیده است. با کاستی‌هایی که در اقتصاد کشور وجود دارد، نگرانی‌ما این است که در افق ۱۴۰۴، برخلاف تصویری که در این چشم‌انداز تعریف می‌شود، نابرابری و فقر در ایران به‌شدت بیشتر می‌شود. ما در جامعه با انواع مختلف نابرابری مواجه هستیم که هرکدام، یک سازوکار درونی دارند و با دیگر نابرابری‌ها هم در تعامل هستند و همه اینها موجب ایجاد یک بستر کاملاً نهادی می‌شود که این ساخت نهادی موجب و بازتولیدکننده نابرابری‌هاست. نابرابری در شکل حاد خود موجب طرد اجتماعی می‌شود که این مسئله نیز کج‌کاری سیستم سیاسی و اقتصادی را در پی دارد و فرصت‌های شکل‌گیری یک جامعه عادلانه و بسامان را منتفی می‌کند. جامعه‌سامان و عادلانه جامعه‌ای است که در آن همکاری اجتماعی فرصت رشد دارد و از مسیر این همکاری اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی شکل می‌گیرد. در جامعه‌ای که نابرابری به شکل حاد وجود

دارد این فرصت‌ها کاملاً منتفی است. برخی می‌گویند نابرابری‌ها، پدیده‌های طبیعی هستند. آنچه نابرابری طبیعی خوانده می‌شود، نابرابری نیست، بلکه تمایز است. ممکن است برخی افراد باهوش‌تر باشند یا ویژگی‌های دیگری داشته باشند، اما آنچه در کارکردهای سیستم سیاسی – اجتماعی موجب نگرانی می‌شود این است که فرصت‌های نابرابر برای افراد فراهم می‌کند و بعد عده‌ای می‌توانند – مواهب بیشتری داشته

باشند و عده‌ای از این مواهب محروم شوند. این مسئله نابرابری‌ها را تشدید می‌کند. مسئله دیگر فقر است. فقر نیز یک مسئله طبیعی نیست، بلکه محصول نظام اجتماعی است؛ یعنی نظام سیاسی – اجتماعی فقر را تولید می‌کند. به همین دلیل، کشوری مانند ژاپن که از نظر منابع طبیعی فوق‌العاده فقیر است، در دنیا کشور ثروتمندی است. این به دلیل نظام اجتماعی این کشور است که این زمینه را فراهم کرده است. جامعه‌ای که هم نابرابری حاد داشته باشد و هم فقر کم‌رشدن، بسیار متزلزل است.

فرد تنها تحت‌تأثیر عوامل فردی فقیر نمی‌شود، بلکه فقر او بیشتر محصول عوامل نهادی و ساختاری است. در سطح فردی یکی از علّت‌های فقر، کاستی‌های شخصی است، مثلا فرد درس نخوانده شغلی با درآمد نازل پیدا می‌کند که به نسلی‌شدن فقر نیز کمک می‌کند اما همین علت نیز ریشه نهادی دارد؛ یعنی نظام اجتماعی در دوره‌ای تصمیم گرفته آموزش‌وپرورش را خصوصی کند و این فرد نتوانسته به مدرسه برود یا حتی در مدرسه دولتی با کیفیت نازل درس خوانده است؛ فرد فقیر به دلیل ناتوانی مالی فرزند خود را

اقتصاد



عکس: تأیید رهبر

«حسین راغفر» در تحلیل عدالت و نابرابری:

نئولیبرال‌ها جامعه را بازاری کردند

به مدرسه دولتی می‌فرستد و این فرزند فقیر، شانس کمتری برای رهایی از فقر می‌یابد و مانند پدر، فقیر باقی می‌ماند اما فردی که می‌تواند فرزند خود را به مدرسه خصوصی بفرستد آن‌قدر دارایی دارد که فقیر لقب نگیرد و فرزند او نیز درحالی‌که فرزند یک خانواده فقیر نیست، با آموزش‌های بهتر، از فقر فاصله بیشتری می‌گیرد. این یعنی نظام آموزشی در ایران یک سازوکار نسلی‌کردن نابرابری دارد و فقر و نابرابری را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. در سطح علل خارجی مثلا فردی در اثر تصادف کشته می‌شود و خانواده بی‌سرپرست او و در شرایط بدی قرار می‌گیرد چراکه آن نهادی با سازوکار حمایتی برای افرادی که دچار فقر می‌شوند یا آسیب می‌بینند، نداریم. در سطح میانی، کاستی‌های نهادی را داریم؛ وقتی آموزش‌وپرورش و بهداشت را خصوصی کنند آدم‌ها فقیر می‌شوند. وقتی می‌گوییم ۴۰ درصد از جمعیت فقیر هستند مسئولان تعجب نمی‌کنند. لزوما فقیر کسی نیست که لباسش پاره باشد یا وصله داشته باشد یا در خیابان بخوابد؛ فقر آن است که کارمند دولت یا کارگر، ندان‌هایش را از دست می‌دهد و نمی‌تواند برای درمان اقدام کند. نمی‌تواند بیماری خود را علاج کند. فقر یعنی ناتوانی برای تأمین نیازهای اساسی. فقر مطلق یعنی ناتوانی در دستیابی به سبب حداقلی از نیازها. وقتی کسی در این زمینه‌ها ناتوان باشد عملا دچار فقر می‌شود. اتفاقی که در دنیا افتاده است، روندی است در ایران هم تکرار شده. سیاست‌های نئولیبرال، که امروز در جامعه ما حاکم است، بعد از جنگ، مسئول اصلی تمام بدبختی‌های کشور است. ریشه تمام بدبختی‌های کشور در این نگاه به برنامه و مدیریت اقتصادی کشور است. من

قبلا به تفصیل توضیح داده‌ام که نتیجه این سیاست‌ها، بازاری‌شدن جامعه است. مکانیسم بازار یک سازوکار توزیعی است. بسیاری از جاها خوب کار می‌کند و یک جاهایی هم کار نمی‌کند. این با جامعه بازاری فرق می‌کند که افراد کلیه و چشم می‌فرشود. کالایی‌شدن بدن، متأسفانه یک پدیده جهانی است. در جامعه بازاری همه‌چیز در رابطه عرضه و تقاضا قرار می‌گیرد، همه‌چیز قابل خریدوفروش است. در دوره‌های مختلف هم این وجود داشته اما در دولت‌های نهم و دهم شدت پیدا کرد و کار به اینجا رسیده است که دلالت هم بر بازار خریدوفروش اعضا فعالیت دارند. نئولیبرالیسم یک طبقه مصرفی جهانی ایجاد کرده است. افرادی در تهران پورشه سوار می‌شوند و در پنت‌هاوس زندگی می‌کنند و برای اسکی به کوه‌های آلپ می‌روند. همین سبک را افرادی در کشورهای دیگر اعم از آسیایی و آفریقایی، آمریکایی و اروپایی دارند. این طبقه کاری به ملت ندارد. نئولیبرالیسم سه ویژگی جهانی دارد؛ اولین ویژگی این است که قربانیان خود را با لقب‌هایی مانند اراذل، اوباش، زن خیابانی، کارتن‌خواب و معتاد نشان می‌دهد، نمی‌گوید که اینها قربانیان من هستند

خبر کوتاه		
بنزین کشور به ۶۶.۵ میلیون لیتر در روز کاهش یافته است. مدیرعامل شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران با اعلام اینکه پیش‌بینی می‌شود با ورود به زمستان، متوسط مصرف بنزین کشور تا اسفندماه روزنی کاهششی داشته باشد، تصریح کرد: هم‌زمان با کاهش مصرف بنزین، ذخیره‌سازی این‌فرآورده نفتی برای ایام نوروز و پایانی سال جاری هم آغاز شده است. وی همچنین با اشاره به برگشت یک میلیون بنزین بدون استاندارد به ترکمنستان، اظهار کرد: شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی با توجه به پایین‌بودن استاندارد و کیفیت بنزین تولیدشده در ترکمنستان، واردات بنزین از این کشور را متوقف کرد. سجادی با اعلام اینکه واردات بنزین از ترکمنستان در قالب محموله‌های پنج میلیون لیتری به داخل کشور انجام می‌شد، بیان کرد: با توجه به کیفیت و استاندارد		
و به نفع همه خواهد بود و گام مهمی برای ایجاد سازمانی واقعا جهانی محسوب خواهد شد. کارلو کالندا، معاون وزیر اقتصاد ایتالیا و معاون اجلاس وزرای WTO نیز در این اجلاس تصریح کرد: موضوع الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی را به اتحادیه اروپا منعکس می‌کنیم و از آن حمایت خواهیم کرد.		
واردات بنزین از ترکمنستان متوقف شد ● مهتر: مدیرعامل شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی با اشاره به آغاز ذخیره‌سازی گسترده بنزین برای ایام نوروز، اعلام کرد: ایران واردات بنزین از ترکمنستان را به طور کامل متوقف کرد. سیدناصر سجادی با بیان اینکه با ورود به فصل سرد سال، متوسط مصرف روزانه بنزین کشور کاهش یافته است، گفت: از ابتدای آذرماه سال‌جاری تاکنون متوسط مصرف		

بازار

گواهی خرید خودرو؛ روش جدید تأمین مالی خودروسازان

مجید هویدی،رئاستانی کارشناس بازار سرمایه

● نگاهی به معاملات هفته گذشته در بورس تهران نشان می‌دهد، در پایان معاملات هفته منتهی به ۲۵ آذر ۱۳۹۴، شاخص کل با ۲۶۳ واحد کاهش نسبت به هفته قبل، به ۶۲هزارو ۱۴۷ واحد رسید. شاخص بازار اول با ۱۴۱ واحد کاهش به ۴۲هزارو ۷۳۱ واحد بالغ شد و شاخص بازار دوم با ۸۲۵ واحد کاهش عدد ۱۴۰هزارو ۳۳۶ واحد را تجربه کرد و به ترتیب با ۰.۳۳ درصد و ۰.۵۸ کاهش نسبت به هفته قبل مواجه شدند. در چهار روز کاری این هفته، ارزش کل معاملات سهام و حق تقدم به دوهزارو ۵۴۹ میلیارد ریال بالغ شد که در مقایسه با هفته قبل ۲۸ درصد کاهش یافته است. در ضمن هزارو۴۶۷ میلیون سهم و حق تقدم، ۱۱۳هزار بار معامله شد و به ترتیب ۳۳ درصد و ۲/۱۶ درصد کاهش را نسبت به هفته گذشته تجربه کرد. براساس گزارش‌ها، ۱۱۴هزارو ۷۷۶ برکه اوراق مشارکت به ارزش ۱۱۵میلیارد ریال معامله شد که ۷۸ درصد و ۸/۷۷ درصد کاهش را در مقایسه با هفته گذشته نشان می‌دهد. شاخص فرابورس نیز از ۶۸۳ به عدد ۶۸۵ افزایش یافت و بازار فرابورس شاهد معامله ۳۰۵ میلیون ورقه بهادار به ارزش سه‌هزارو ۳۲۸ میلیارد ریال بود که این وضعیت از کاهش ۳۸ درصدی حجم و ۴۰ درصدی ارزش معاملات در مقایسه با هفته قبل از آن حکایت دارد.

از جمله عوامل مؤثر بر بازار در هفته قبل را می‌توان تعطیلی آغازین‌روز هفته و بسته‌شدن پرونده «بی‌ام‌دی» دانست که خبر دوم اگرچه برای فعالان بازار خبری مثبت تلقی می‌شود، اما تأثیر چندانی بر شاخص کل نداشت.

یکی دیگر از خبرهای مؤثر بر بازار سهام در هفته گذشته تصویب طرح گواهی خرید خودرو بود، با این طرح خودروسازان می‌توانند از اوراق بهادار برای تأمین مالی صنعت خودرو استفاده کنند.

گواهی خودرو، یکی از انواع ابزارهای مبتنی بر مشارکت است که علاوه بر تسهیل تأمین مالی شرکت‌های خودروساز، روش مناسبی برای خرید خودرو در تاریخ معینی در آینده است و برای افرادی که صرفا قصد کسب سود منصفانه از صنعت خودروسازی را دارند، یک ابزار سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. گواهی خودرو، این امکان را برای خریداران می‌دهد که در سررسید، در صورت تمایل، با لحاظ سود دوره مشارکت، برای تحویل‌گرفتن خودرو اقدام کنند یا اینکه با دریافت سود مشارکت در سررسید یا فروش اوراق قبل از سررسید، به مشارکت خود در خودروساز پایان دهند. به عبارتی سرمایه‌گذاران در سه مرحله می‌توانند دارایی خود را نقد کنند. از مرحله انتشار اولیه اوراق تا قبل از مرحله اعمال اختیار فروش توسط سرمایه‌گذار، خریدار می‌تواند اوراق خود را در بازار ثانویه بفروشد و مشمول بازدهی بازار ثانویه شود، همچنین می‌تواند تا قبل از اعمال اختیار خرید توسط خودرو خودروساز، اختیار فروش خود را اعمال کند و از بازدهی ناشی از اعمال اختیار و کف بازدهی بهره‌مند شود یا اینکه صبر کند و از بازدهی سقف که ناشی از اعمال خرید خودروساز است، بهره‌مند شود. گواهی خودرو در حقیقت اوراق مشارکتی است که دو اختیار خرید (embedded call option) و فروش (embedded put option) دارد و بازدهی این اوراق را برای سرمایه‌گذار بین دو نرخ کف و سقف بیمه می‌کند. از آنجایی که این اوراق در مبالغ اسمی استاندارد منتشر می‌شوند، خریدار در سررسید برای تحویل‌گرفتن خودرو باید حداقل تعداد مشخصی از این اوراق را داشته باشد تا بتواند برای تحویل خودرو درخواست دهد و طبیعی است که درصورتی‌که قیمت خودرو بیشتر از مبلغ ناشی از اصل و فرع اوراق در اختیار او باشد، خریدار باید مابه‌التفاوت را نیز برای تحویل‌گرفتن خودرو به صورت نقدی در سررسید پرداخت کند. امید است طراحی چنین ابزار‌هایی بتواند به توسعه بیشتر تأمین مالی در بازار سرمایه، منجر شود.

ارز +	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۶۴۷	−۳
یورو	۳۹۸۰	−۱۲
پوند	۵۴۸۰	+۱۵
درهم	۱۰۰۲	+۵

طلو سکه +	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۱۱۰۰۰	−۴۰۰۰
طرح قدیم	۹۱۰۰۰۰	−۴۰۰۰۰
نیم	۴۶۶۰۰۰	+۲۰۰۰
ربع	۲۵۹۰۰۰	+۲۰۰۰
گرمی	۱۶۸۰۰۰	−
گرم ۱۸ عیار	۹۳۵۰۰	+۳۰۰
اونس + (دالر)	۱۰۵۵	−۱۹

عنوان شاخص	۱۸ آذر	۲۵ آذر	تغییر
کل	۶۴۶۰۹۸	۶۴۱۴۷۳	−۴۶۴۵
شاخص قیمت	۲۴۴۹۳	۲۴۱۹۲۳	−۱۰۰۷
شاخص کل (معوز)	۹۶۳۱،۱	۹۶۱۲	−۱۹،۱
شاخص قیمت (معوز)	۸۱۸۴	۸۱۵۸۴	−۲۵۶
آگرد شاور	۶۸۳۱۰۳	۶۸۲۱۰۶	−۹۹۷
۵۰ شرکت بزرگ	۲۵۴۱۴	۲۵۳۰۷	−۱۰۷

است تعویق در افتتاح رسمی فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی که قرار بود در یکشنبه هفته آینده با حضور رئیس‌جمهور انجام شود، به روزی دیگر موکول شد. شنیده‌ها حاکی

است تعویق در افتتاح رسمی فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی که البته تولید از این فاز‌ها در حال انجام است، به دلیل مشغله کاری رئیس‌جمهور بوده است. هدف

از طرح توسعه فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی، تولید روزانه ۵۰ میلیون متر مکعب گاز شیرین برای تأمین سوخت و خوراک مورد نیاز مشترکان خانگی، تجاری، صنعتی

و تولید روزانه ۸۰ هزار بشکه میعانات گازی و ۴۰۰ تن گوگرد برای صادرات به بازارهای جهانی است.